

غروب زندگی

گردآورنده: آمنه سروری فخر

انتشارات خلاق

سرشناسنامه	: سروری فخر، آمنه: ۱۳۵۶-
عنوان و نام پدیدآور	: غروب زندگی / گردآورنده آمنه سروری فخر.
مشخصات نشر	: تهران: خلاق، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۸۳-۴۳-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتائنامه ص: ۷۲.
موضوع	: مرگ -- جنبه های مذهبی -- اسلام.
موضوع	: مرگ -- احادیث.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ۴۶۴ س/۲۲۲/۲۲۲ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۲۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۳۱۸۲۶۴



نشر خلاق با همکاری نشر پل

انتشارات خلاق



نام کتاب: غروب زندگی

نویسنده: آمنه سروری فخر

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه چاپ: سجده

نویت چاپ: اول ۱۳۸۹ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۸۳-۴۳-۴

مرکز پخش: انقلاب، خیابان فخر رازی، تقاطع لبافی نژاد، نبش چهارراه، شماره ۲۵، طبقه دوم

تلفن مرکز پخش: ۶۶۹۷۲۸۱۸ - ۶۶۹۵۹۹۷۱ - ۶۶۴۶۹۶۰۸

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

«کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ می باشد»

فهرست

- ❖ مقدمه ۷
- ❖ پیشگفتار ۹
- ❖ راز مرگ و زندگی ۱۱
- ❖ دنیا رحم جان ۱۳
- ❖ یاد مرگ غفلت را می‌برد ۱۵
- ❖ حکایت ۱۸
- ❖ ایراد «چرا می‌میریم» و پاسخ آن در یکی از داستانه‌های مثنوی آمده است ۲۳
- ❖ اعمال خوب و بد ما منشاء خوبیها و بلاها و مرگ و میرها و سلامتی ما است ۲۵
- ❖ صدقه، عروسی را از مرگ نجات داد ۲۷
- ❖ صلوات تلخی جان‌کننده را شیرین می‌کند ۲۸
- ❖ اتفاق در راه خدا ۲۹
- ❖ از خطبه‌های امیرالمؤمنین (ع) در پرهیزکاری و وصف مرگ و دوری از دنیا ۳۳
- ❖ قسمتی از همین خطبه‌ی امیرالمؤمنین (ع): ۳۴
- ❖ قسمتی از این خطبه‌ی شریفه در کیفیت: ۳۵
- ❖ مرگ و زندگی ۳۹
- ❖ توابع مرگ ۴۱

❖	سکرات مرگ	۴۴
❖	مرحله‌ی نخست	۴۵
❖	مرحله‌ی دوم	۴۵
❖	مرحله‌ی سوم	۴۶
❖	روایت دیگر اینکه:	۴۸
❖	آداب محتضر	۴۹
❖	حوادث بعد از مرگ	۵۱
❖	جنابت، پلیدی معنوی است	۵۳
❖	تلاوت قرآن هنگام مرگ	۵۶
❖	صدقه مرگ را به تأخیر می‌اندازد	۵۷
❖	اجل حتمی علاج ندارد	۵۸
❖	چگونگی مرگ سلیمان (ع) و بی‌وفایی دنیا	۵۹
❖	قبر و قرآن	۶۱
❖	زنده شدن پس از مرگ	۶۲
❖	زنده شدن پس از مرگ	۶۴
❖	نجات از مرگ	۶۴
❖	دو قضیه‌ی عجیب	۶۵
❖	حکایت ابوسعید خدری	۶۷
❖	صله‌ی رحم و پیوستن با خویشان	۶۸
❖	فضیلت خواندن سوره‌ی یاسین	۶۸
❖	حکایت	۶۹
❖	حکایت	۷۰
❖	«فهرست منابع»	۷۲

حضرت امام سجاد علیه السلام می فرماید:
سه وقت از برای مردم سخت ترین وقت ها است:
- لحظه ای که ملک الموت را می بیند.
- لحظه ای که در قبر گذاشته می شود.
- لحظه ای که از قبر برانگیخته و در مقابل خداوند تبارک و تعالی می ایستد.
اگر از این سه مرحله نجات یافت که به بهشت می رود والا هلاک شده و به
آتش جهنم می رود.

مقدمه

عمر انسان در این جهان کوتاه و روزگارش گذران و ناپایدار است و فطرتاً به حیات جاویدان مشتاق و آرزوهایش بس بیکران و خواسته‌های نامحدود می‌باشد و علی‌رغم این امور خواه و ناخواه، امروز یا فردا مرگش فرا می‌رسد و سرانجام پس از تحمل رنج‌ها و سختی‌ها، این جهان را با هزاران آمال و آرزو ترک می‌گویند و عزیزان خود را در غم مفارقت و جدایی می‌گذارد و می‌گذرد.

پس آیا عشق انسان به بقاء و حیات همیشگی و آرزوها و کاوش‌های پیگیر وی در راه یافتن زندگی واقعی بیهوده است؟ حاشا! که مرگ پایان زندگی و آخرین مرحله تکامل انسان بوده و به دنبال این جهان خزانگی، جهانی بهاری و پس از این فراق وصالی نباشد.

بنابراین مرگ آغاز زندگی است، یک زندگی نوینی که هزاران بار از زندگی دنیوی بهتر و والاتر است و در آن به جای جنگ و جدال، فساد و خونریزی، چپاول و غارتگری و ظلم و ستم، صلح و صفا و آرامش و خوشبختی، لذت و کامیابی حکومت می‌کند.

❧ پیشگفتار

«و قرار ندادیم برای انسانی پیش از تو بودن جاوید را، آیا پس
اگر بمیری تو، ایشان جاوید مانند.»

سوره‌ی انبیاء آیه ۳۵

اشتران کاروان عمر به سوی وادی مرگ در حرکتند و هر لحظه که از
زمان می‌گذرد، آن به آن آدمی به این وادی نزدیک می‌گردد. ای انسان
به خواب رفته، مگر نمی‌شنوی نوای غم‌انگیز و وحشتناک زنگ‌های این
کاروان را؟

هر روز که دیده‌ات از چنگال خواب می‌گریزد و خویش را در آستانه‌ی
روزی روشن می‌یابی مشاهده کرده‌ای که کالبد بی‌جانی را به سوی
گورستان خموش و آرام شهر حمل می‌کنند تا او را با بی‌رحمی هر چه
تمام‌تر به دست خاک‌های سرد و تیره گور بسپارند. ای بشر چرا از این
دوران زودگذر به خاک سپردن انسانی پند نگرفته و لحظه‌ای به این راه

نمی‌اندیشی گمان مبر زندگي براي جاويد خواهد ماند.

روزهای پيش از طلوع و غروب‌های عبرت‌انگيز و غم‌آور خورشيد را با خاطراتش در نظر بياور.

صحنه‌ی زندگي آن روزهای فراموش شده را به خاطر آورده و آنها را مورد تفکر قرار ده و آنگاه از خویش سؤال کن آیا جاويد ماندند پيشينيان؟ و آیا زندگي جاويد ماند براي آنهايي که پيش از تو بودند و چون تو گمان می‌کردند که زندگي دنيا با لذت‌ها و شهوت‌هايش جاودانه خواهد ماند. مسلماً پس از ساعت‌ها تفکر درک خواهی نمود که بر خلاف ميل و خواسته و تصور تو آنها را کاروان عمر هب وادی مرگ رساند.

اوراق عبرت‌آور و غم‌انگيز و شادی‌آمیز تاريخ را زمانی که تنهائی به تو روی نهاد ورق زده و از خطوط صفحات آن پرسش نموده، آنگاه خواهی دانست که او هم قادر است چون انسان با تو سخن بگوید. بگو ای امتداد لرزان تاريخ، ای یاد بود بزرگان که هر پند و اندرزی را از آنان در خویش ضبط نموده‌ای. کجایند صاحبان پند؟ چرا از زندگي‌شان سخن نمی‌گویی؟ و چرا چون سایر دقایق حیاتشان نمی‌گویی آخر این عمر افتخار‌آمیز یا ننگ‌آور آنان به چه ختم گردید چرا؟

و آنگاه سطری با تو سخن می‌گویند: که در فلان روز و لحظه دیده از جهان فرو بستند پس مبدا بیندیشی از چنگال مرگ گریخته و خویش را نجات خواهم داد. همانطور که خالق توانا می‌فرماید: هر جا باشید در می‌یابد شما را مرگ و اگر چه باشید در برج‌های سخت استوار.